

عنوان مقاله:

تسلط گفتمان قرآنی بر ذهن و زبان حافظ

محل انتشار:

التنظیرات و النقد فی الادب العربی، دوره 1، شماره 3 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

محمد یعقوبی - استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران-ایران.

خلاصه مقاله:

حافظ، قرآن را حافظ بود و نه تنها آن را از برداشت و به چهارده روایت می‌خواند؛ بلکه قرآن بخشی از وجود و هستی اندیشگی و روحی-معنوی او شده بود. ذهن و زبان انگار یکی هستند. هر آن چه که در انبان ذهن است، از زبان خارج می‌شود و هر آن چه از زبان خارج می‌شود، ذهن را تشکیل می‌دهد، انگار که بین این دو رابطه‌ای نه دیالکتیکی بلکه مکملی وجود دارد و این دو در حال تکمیل یکدیگرند. زبان حافظ که می‌سرود، حتی در آن اوقاتی که غزل عاشقانه می‌سرود، ناخودآگاه بخشی از آن با زبان قرآن مزین بود، چرا که ذهن حافظ از زبانش همان چیزی را برون می‌داد که گفتمان مسلط بر روح و جسم و ذهن وی شده بود. مدت زمان زیادی بود که حافظ به قرآن و فراگیری علوم قرآنی مشغول بود و هویداست یادگیری کودکی بر ذهن و زبان، لوحی است خاموش ناشدنی و این چنین بود که آن کودک مکتب قرآن رفته، بعدها در زیباترین شکل ممکن آموخته‌های قرآنی‌اش را در زیبایی شناسانه ترین شکل ممکن سرود و جهانی زیبا را بر ساخت که هنوزم جامعه بشری، نظیر آن را خیلی کم به خود دیده است. راستی آن ذهن و زبان وقاد چگونه بود که هر چه را که می‌سرود، بویی از اسرار معرفت قرآنی از آن به مشام می‌رسید؟ این نوشتار بخشی از این زیبایی‌های قرآنی را در شعر و زبان شعری حافظ و تسلط این گفتمان را بر زبان لفظی و محتوایی او آشکار کرده است و در تحلیلی معناکاوانه، مفاهیم قرآنی را استخراج کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کمتر شعری از حافظ را می‌توان یافت که معرفتی قرآنی در قالب واژگان و مفاهیم و معنا و ساختار کلامی در آن رسوخ نکرده باشد و حافظ به بهترین شکل ممکن آن را هنرمندانه در کلام خود به جلوه نگذاشته باشد.

کلمات کلیدی:

حافظ، قرآن، تاثیرپذیری، گفتمان قرآنی، ذهن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1608351>

